

پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

افتراقی شدن تحقیقات مقدماتی در مواجهه با وضعیت اضطراری ناشی از پاندمی کرونا

۱. علی حسن زاده: دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

۲. بابک پورقهرمانی*: دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. پست الکترونیک:

pourghahramani@iau-maragheh.ac.ir (نویسنده مسئول)

۳. جمال بیگی: دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

چکیده

وضعیت اضطراری، وضعیتی غیرعادی است که در نتیجه آن، اعمال و اجرای قوانین و مقررات با تغییراتی مواجه می‌گردد. پاندمی کرونا، به‌عنوان جلوه‌ای از وضعیت اضطراری نیز، منجر به تغییراتی در فرایندهای دادرسی کیفری شده حقوق آزادی تعلیق یا محدودیت‌هایی در برخورداری از برخی حقوق شده است. در بین مراحل دادرسی‌های کیفری، با توجه به اینکه تحقیقات مقدماتی جلوه‌گاه اصلی حقوق و آزادی‌های شهروندی در مواجهه با نظم و امنیت می‌باشد، فرض بر این است که بیشترین تأثیر و تغییرات را در مواجهه با کرونا داشته باشد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی جلوه‌های افتراقی شدن مرحله تحقیقات مقدماتی در مواجهه با وضعیت اضطراری ناشی از پاندمی کرونا است. پژوهش حاضر به روش اسنادی - کتابخانه‌ای به نگارش در آمده و شیوه تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد. از نظر هدف نیز، جزء پژوهش‌های کاربردی می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بدنبال وضعیت ناشی از کرونا، تحقیقات مقدماتی با تغییرات و تحولات متعددی مواجه گردیده و برخی از حقوق و آزادی‌های شهروندی در این مرحله با تعلیق و تحدید همراه شده است. این تعلیق و تحدید حقوق هم در شروع به تعقیب و هم در شروع به تحقیق و انجام تحقیقات مقدماتی منجر به افتراقی شده این مرحله از مراحل دادرسی‌های کیفری گردد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که وجود آمدن وضعیت اضطراری ناشی از پاندمی کرونا منجر به افزایش اختیارات مقامات تعقیب و ضابطین در مرحله شروع به تعقیب شده و در ادامه مواجهه با این وضعیت منجر به تعلیق و تحدید حقوق و آزادی‌های شهروندی، تحت شعاع قرار گرفتن حق حضور در تحقیقات، منع صدور قرار بازداشت و قرارهای منتهی به بازداشت و بکارگیری نهادهای ارفاقی به ویژه تعلیق تعقیب، میانجیگری و... در شروع به تحقیق و انجام تحقیقات مقدماتی شده است. موارد یاد شده از مهمترین جلوه‌های افتراقی شدن تحقیقات مقدماتی در شرایط اضطراری در مقایسه با شرایط عادی می‌باشند.

واژگان کلیدی: وضعیت اضطراری، پاندمی کرونا، تحقیقات مقدماتی، تعلیق حقوق، تحدید حقوق.

حسن زاده، علی، پورقهرمانی، بابک، و بیگی، جمال. (۱۴۰۲). افتراقی شدن تحقیقات مقدماتی در مواجهه با وضعیت اضطراری ناشی از پاندمی کرونا. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۵(۴)، ۲۰۱-۱۸۶.

© ۱۴۰۲ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



دادرسی کیفری همواره به صورت عادی و یکنواخت در همه جرایم و در همه وضعیت‌ها نبوده بلکه نوع جرم ارتكابی و یا وضعیت به وجود آمده ممکن است منجر به دادرسی کیفری افتراقی گردد. از جمله جلوه‌های مهمی که منجر به دادرسی افتراقی می‌گردد و در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها نیز به آن تصریح شده، دادرسی کیفری در وضعیت استثنایی یا بحرانی است. منظور از وضعیت اضطراری؛ وضعیتی است برای مهار مخاطرات قریب‌الوقوع حکمرانی و بازگرداندن نظم عمومی (امنیت و آسایش، بهداشت و سلامت عمومی) مستقر برای صیانت از موجودیت یک کشور (غمامی، ۱۳۹۹: ۱۷۱). در قوانین و مقررات تعریفی از وضعیت اضطراری ارائه نشده است. تنها قانونی که در آن یکی از مترادف‌های وضعیت اضطراری یعنی «بحران» در بند الف ماده ۱ بدین نحو تعریف شده است: «شرایطی است که در اثر حوادث، رخدادها و عملکردهای طبیعی و انسانی (به جز موارد موضوعه در حوزه‌های امنیتی و اجتماعی) به طور ناگهانی یا غیرقابل کنترل به وجود می‌آید و موجب ایجاد مشقت و سختی به یک مجموعه یا جامعه انسانی می‌گردد و برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اضطراری، فوری و فوق‌العاده دارد». البته؛ به هر وضعیت بحرانی، وضعیت اضطراری گفته نمی‌شود بلکه برای آنکه یک دولت در وضعیت اضطراری قرار گیرد، یک سری شرایطی لازم است، از جمله مهمترین شرایطی که در مواجهه با آنها، وضعیت اضطراری محسوب می‌شود می‌توان به موارد شرایط مربوط به تهدید علیه حیات ملت، استثنائی و قریب‌الوقوع بودن خطر^۱ اشاره کرد (ربیعی، ۱۳۸۷: ۸۵). زمانی که یک دولت با هر یک از شرایط یاد شده مواجه شود، تغییراتی در اجرای قوانین و مقررات و حتی حدود آزادی شهروندی و حقوق آن‌ها و در کل اقدامات فراقانونی دولت‌ها بوجود می‌آید. از مهمترین این تغییرات می‌توان به افزایش میزان اختیارات و اقتدارات حاکمیت، تعدد مراجع تقنین، سلب برخی از حقوق به طور موقت و... اشاره کرد.

وضعیت اضطراری می‌تواند ناشی از بلایای طبیعی نظیر سیل، طوفان، زلزله و... یا اینکه ناشی از شرایط بحرانی غیرطبیعی نظیر جنگ، شورش، رکود شدید اقتصادی و بیماری‌های خطرناک باشد. بدین ترتیب جلوه‌های وضعیت اضطراری ممکن است در ذیل یکی از حوادث مصنوعی و طبیعی قرار گیرند. البته برخی از جلوه‌های ممکن است هم خاستگاه طبیعی و هم خاستگاه مصنوعی داشته باشد که بیماری از جمله مهمترین مصادیق این دسته از جلوه‌ها محسوب می‌شوند. یکی از بارزترین خاستگاه‌های وضعیت اضطراری بیماری‌های فراگیر هستند. در طول تاریخ، زیست افراد زیادی در مواجهه با این بیماری‌ها به مخاطره افتاد و کشورهای زیادی را درگیر در یک وضعیت بحرانی قرار داده است. جدیدترین نوع این بیماری‌ها، «کرونا ویروس»^۲ است که در گستره‌ای وسیع‌تر نسبت به بیماری‌های دیگر، مردم کل دنیا را در خطر جانی قرار داد. کرونا با توجه به دو ویژگی یعنی ۱- همه‌گیری و ۲- مسری و کشنده بودن آن، مصداقی بارزی از وضعیت اضطراری محسوب می‌شود، به طوری که با توجه به این دو ویژگی و تأثیری که همه‌گیری کرونا در نظم جوامع بوجود آورده و منجر به اخلاص گسترده و همه‌جانبه در امور کشورها شده، اضطراری بودن آن در سطح جهانی نیز مورد تأیید قرار گرفته و سازمان بهداشت جهانی برای ششمین بار، در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۹۸ (۳۰/ ژانویه ۲۰۲۰) به دلیل شیوع ویروس کرونا اعلام وضعیت اضطراری نموده و خطاب به کشورها چنین اعلام کرد: «در خصوص شرایط مخاطره-آمیز بیماری کرونا، دولت برای حفظ حق حیات با ماهیت ترکیبی (حق مثبت و حق منفی) و تأمین حق بر محیط ایمن، موظف به تدارک وضعیت اضطراری است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۹: ۲۷).

۱. برای مطالعه هر یک از این شرایط بنگرید: ربیعی، علیرضا، تعلیق حقوق مندرج در معاهدات حقوق بشری در وضعیت‌های اضطراری، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷، ص ۹۰

² Coronaviruses

مسئله اصلی مقاله حاضر؛ تبیین تحقیقات مقدماتی افتراقی در وضعیت اضطراری یا به عبارتی افتراقی شدن دادرسی‌های کیفری در چنین وضعیت‌هایی با مدنظر قرار دادن پاندمی کرونا به‌عنوان مصداقی از وضعیت اضطراری است. سوالی که در پی پاسخ به آن هستیم این است که وضعیت اضطراری چه تاثیری بر فرایند دادرسی‌های کیفری دارد؟ برای اعمال مقررات افتراقی در طول دادرسی‌های کیفری و ایجاد محدودیت‌هایی برای حقوق اصحاب دعوی کیفری چه مستندات داخلی و بین‌المللی وجود دارد؟ و... در راستای پاسخ به این سوالات و برخی سوالات مرتبط با مسئله یاد شده، ابتدا به مطالعه مفاهیم و پیشینه‌ای از تحقیقات پیرامون موضوع مقاله پرداخته و سپس جایگاه وضعیت اضطراری در دادرسی‌های کیفری با تمرکز بر مرحله تحقیقات مقدماتی و جلوه‌های افتراقی شدن این مرحله در شروع به تعقیب و شروع به تحقیق مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

مفاهیم

در ادبیات حقوقی برای بیان وضعیت یا موقعیتی که غیرعادی است از واژگان متعددی ممکن است استفاده شود؛ اضطراری یا غیرعادی یا فوق‌العاده یا استثنائی یا بحرانی و... از جمله مهمترین این واژگان هستند. این واژگان دارای بار معنای یکسانی هستند و معمولاً به جای یکدیگر نیز استفاده می‌شوند. از نظر لغوی؛ در فرهنگ حقوقی انگلستان نیز اصطلاحات زیادی برای چنین وضعیت یا موقعیت‌هایی، از جمله وضعیت‌های اضطراری^۱، وضعیت‌های استثنائی^۲، وضعیت اورژانسی^۳، وضعیت‌های هشدار^۴، حکومت نظامی^۵ و... به‌کارگرفته شده است. فرهنگ آکسفورد اضطرار را یک حادثه یا وضعیت شدید ناگهانی و خطرناک که نیازمند عمل فوری برای برخورد با آن است،^۶ تعریف نموده است (آکسفورد، ۲۰۰۴: ۴۱۷). در لغت‌نامه‌های عربی، اضطرار از ریشه «ضر، یضر، ضرا» و به‌معنای احتیاج، ناچار و اجبار آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۵ ق: ۲۴). در ادبیات فارسی نیز «اضطرار» در به‌معنی بیچارگی، ناچاری و درماندگی آمده است. (معین، ۱۳۸۵: ۱۳۱). از نظر اصطلاحی؛ وضعیت اضطراری، وضعیتی است که در نتیجه‌ی شرایط موقتی که نهادهای دولتی را در موقعیتی با مخاطره قرار می‌دهد و مقامات را مجاب می‌کند که اعمال برخی از قواعد مشخص را به حال تعلیق در آورند، حادث می‌شود (مارکز، ۱۹۸۲: ۱-۲). با عنایت به موارد یاد شده می‌توان گفت که هر زمان که نظم عمومی یک کشور به جهت اختلال در امنیت، بهداشت و ارایه خدمات عمومی با مخاطره کلی مواجه شود، وضعیت از حالت عادی خارج شده و به حالت دیگری در می‌آید که دولت مجبور به اعمال مقررات و ابزارهای جدیدی می‌گردد، به چنین حالتی وضعیت اضطراری گفته می‌شود.

وضعیت اضطراری می‌تواند ناشی از بلایای طبیعی نظیر سیل، طوفان، زلزله و... یا اینکه ناشی از شرایط بحرانی غیرطبیعی نظیر جنگ، شورش، رکود شدید اقتصادی و بیماری‌های خطرناک باشد. بدین ترتیب جلوه‌های وضعیت اضطراری ممکن است در ذیل یکی از حوادث مصنوعی و طبیعی قرار گیرند. در مورد پاندمی کرونا و محسوب نمودن آن به‌عنوان مصداق و جلوه‌ای از وضعیت اضطراری می‌توان گفت؛ با توجه به دو ویژگی یعنی ۱- همه‌گیری و ۲- مسری و کشنده بودن آن، کرونا مصداقی از وضعیت اضطراری محسوب می‌شود. با توجه به این دو ویژگی و تاثیری که همه‌گیری کرونا در نظم جوامع بوجود آورده و منجر به اخلاص گسترده و همه‌جانبه در امور کشورها شده، اضطراری بودن آن در سطح جهانی نیز مورد تایید قرار گرفت و سازمان بهداشت جهانی برای ششمین بار، در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۹۸ (۳۰ ژانویه ۲۰۲۰) به‌دلیل شیوع

¹ States of Emergency

² States of Exception

³ urgence'd état'l

⁴ States of Alert

⁵ Matial Law

⁶ "a sudden serious and dangerous event or situation which needs immediate action to deal with it..."

ویروس کرونا اعلام وضعیت اضطراری کرد. و خطاب به کشورها چنین اعلام شد: «در خصوص شرایط مخاطره‌آمیز بیماری کرونا، دولت برای حفظ حق حیات با ماهیت ترکیبی (حق مثبت و حق منفی) و تامین حق بر محیط ایمن، موظف به تدارک وضعیت اضطراری است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۹: ۲۷)». با شیوع کرونا، جوامع به سمت وضعیت تعلیق رفتند و به دنبال آن به تدریج امور جاری و نهادهای جوامع، هر کدام پس از دیگری برای جلوگیری از شیوع این بیماری تعطیل شدند (میرزایی، ۱۳۹۹: ۸-۷). کشورهای متعددی در جهان به علت شیوع بیماری کورونا به صورت رسمی وضعیت اضطراری اعلام نموده و با استناد به آن برخی حقوق بشری را به حالت تعلیق درآورده‌اند. این دسته از کشورها به سبب در مخاطره افتادن حیات ملی، وضعیت اضطراری ناشی از شیوع ویروس کرونا را به طور رسمی به سازمان ملل متحد، شورای اروپا و سازمان کشورهای آمریکایی اعلام نموده‌اند. هشت کشور عضو پیمان اروپایی حقوق بشر تا تاریخ ۲ آوریل ۲۰۲۰، با استناد به وضعیت اضطراری اعلام نموده‌اند که برخی حق‌های بشری را به حالت تعلیق در می‌آورند. علاوه بر این، تاکنون ده کشور عضو سازمان کشورهای آمریکایی با اعلام وضعیت اضطراری برخی از حق‌های بشری را به حالت تعلیق درآورده‌اند؛ به طور کلی، شمار دولت‌هایی که به علت شیوع ویروس کرونا اعلام وضعیت اضطراری کرده و برخی حقوق بشر را به حالت تعلیق درآورده‌اند، در طول تاریخ بی‌سابقه بوده است (بیگزاده و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۰-۳۹).

پیشینه موضوع

آقابابایی (۱۴۰۰)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «مطالعه تطبیقی حقوق وضعیت اضطراری با نگاهی به مدیریت بیماری کووید ۱۹؛ از مبانی قانونی تا تجویز مداخله کیفری» به این نتیجه می‌رسد که: «با توجه به اصل ۷۹ قانون اساسی، و بهره‌مندی از تجربه کشورهای مختلف، تدوین حقوق وضعیت اضطراری ضروری است. مقررات جامع و کارآمدی که با اجرای خودکار خود، ضمن مدیریت امور کشور در وضعیت اضطراری، مجوز وضع مقررات خاص متناسب با وضعیت اضطراری را داشته باشد و تنظیم پاسخ‌های نقض مقررات و تعیین دستگاه متولی جهت تضمین حتمیت و قطعیت اجرای قانون را عهده‌دار باشد».

پشمی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تعلیق تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در وضعیت‌های اضطراری عمومی؛ بحران کووید ۱۹-» به این نتیجه می‌رسد که: «اگر چه قوانین بهداشت عمومی موجب منزوی شدن افراد و گروه‌هایی می‌گردد که ممکن است در معرض یک بیماری عفونی و همچنین تعطیلی مشاغل و اماکن و مصادره اموال باشند، لذا اعمال این اختیارات باید مبتنی بر ملاحظات بهداشت عمومی بدون تبعیض بر اساس نژاد، جنسیت، پیشینه، قبیله یا سایر معیارهای نامناسب باشد. بدین معنی که اقدامات امنیتی بهداشت جهانی نیز بایستی در چارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر قرار گیرد و حمایت از حقوق بشر باید بخشی از مبارزه مؤثر با بیماری‌های کرونا باشد».

نشاسته‌ریز و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تأثیر وضعیت اضطراری بر فقد مرحله تجدیدنظر در دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی» به این نتیجه می‌رسند که: «دولت‌ها در وضعیت اضطراری مجاز به صرف‌نظر نمودن از حق بر دادرسی منصفانه در محاکمات خود می‌باشند. اگرچه با توجه به اهمیت موضوع و این واقعیت که حق بر تجدیدنظرخواهی در زمره حقوق مسلم و اساسی متهم در فرآیند دادرسی کیفری است، چنین مقرره‌ای (سلب حق تجدیدنظرخواهی) در صورت استمرار اعمال، یقیناً نیازمند طی نمودن فرآیند تقنین و مبدل شدن به قانون مصوب مجلس قانونگذاری خواهد بود».

شیدائیان و اسحاقی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان «جلوه‌های مصلحت عمومی در آیین دادرسی کیفری و چالش آن با حقوق فردی» به این نتیجه می‌رسد که: «آیین دادرسی کیفری یکی از بارزترین عرصه‌های تراحم مصلحت عمومی و حق‌های فردی است و همان‌گونه که برای

تأمین مصلحت عمومی تدوین شده است از حق‌های فردی نیز حمایت می‌کند؛ به‌گونه‌ای که یکی از هدف‌های آن را رسیدن به یک نقطه تعادل میان مصلحت عمومی و حق‌های فردی دانسته‌اند.

شاملو و یوسفی (۱۳۹۴)، «وضعیت اضطرار عمومی در نظام بین‌المللی حقوق بشر» به این نتیجه می‌رسند که: «وضعیت «اضطرار عمومی» در اسناد حقوق بشری، تهدید آنی حقوق بنیادین افراد در یک محدوده زمانی و مکانی معین به گونه‌ای که نظم عمومی به شدت مختل شود، تعریف شده است. مؤلفه‌های اضطرار عمومی از منظر حقوق بشر عبارت است از تهدید عینی یا قریب‌الوقوع که استثنایی و علیه حیات منسجم اجتماعی باشد. احتمال وقوع حمله تروریستی بارزترین مصداق آن تلقی می‌شود».

جایگاه وضعیت اضطراری در نظام دادرسی کیفری ایران

بررسی سوابق موجود در نظام حقوقی ایران حاکی از این است که موارد وضع و استفاده از مقررات اضطراری، عمدتاً برای تضمین امنیت سیاسی و حفظ نظام حاکم بوده است. این وضعیت هم در قوانین قبل از انقلاب و هم در قوانین پس از انقلاب مشهود است. در این دوره، قانون خاصی تحت عنوان قانون وضعیت اضطراری یا مشابه آن تصویب نشده بود. البته در برخی مصوبه‌های قانونی، وضعیت‌هایی پیش‌بینی شده که برابر این وضعیت‌ها، محدودیت‌هایی نیز اعمال گردیده است. به‌عنوان نمونه می‌توان به قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار ۱۳۲۰ که وزارت بهداشت را به اجرای آیین‌نامه‌ها و مقرراتی در زمینه مقابله با انتشار بیماری‌های آمیزشی و واگیردار در حوزه‌های مختلف و پیگرد افراد متخلف مکلف کرد اشاره نمود. در این قانون در خصوص فرایند دادرسی در وضعیت بوجود آمده مقررهای پیش‌بینی نکرده بود، حتی در احصاء بیماری‌ها، نامی از کرونا نیامده بود. در این قانون صرفاً و به نحو حصری از بیماری‌هایی چند از جمله ایدز، سوزاک و سفلیس نام برده شده است.

در قانون اساسی مشروطه مقررهای خاصی در خصوص شرایط اضطراری پیش‌بینی نشده بود. البته متمم قانون اساسی مشروطیت، مصوب ۱۴ ذی‌القعده ۱۳۲۴ هجری قمری، در اصل هشتاد و هفتم خود، محاکم نظامی را پیش‌بینی کرده بود. این اصل مقرر می‌داشت: «محاکم نظامی، موافق قوانین مخصوصه در تمام مملکت تاسیس خواهد شد». بدین ترتیب، محاکم نظامی فوق، به‌عنوان مبنایی برای برقراری حکومت نظامی تلقی گردید و در راستای تبیین اصل هشتاد و هفتم متمم قانون اساسی مشروطیت، قانونی تحت عنوان «قانون حکومت نظامی» در تاریخ ۲۷ سرطان ۱۳۲۹ هجری قمری ۱۲۹۰ هجری شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. ماده ۱ این قانون مقرر می‌داشت: «از وقتی که اعلان حکومت نظامی شود اموری که راجع به امنیت و آسایش عمومی است با تصویب هیئت وزراء بتوسط وزارت جنگ اجرا خواهد شد». بدین ترتیب، الگوی اتخاذ شده در مورد پاسخ به وضعیت‌های اضطراری در برهه‌ی تاریخی ما بین انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی در ایران، الگوی حکومت نظامی بوده است. بررسی سوابق تقنینی و اجرایی در دوره زمانی ۱۳۲۹ تا ۱۳۵۷ حاکی است که سازوکار قانونی تعبیه شده و اعلام حکومت نظامی به‌صورت مکرر و در مناطق مختلف کشور مورد استفاده قرار گرفته است.

قانون اساسی سال ۱۳۵۸ با وجود پیش‌بینی شرایط جنگی و سایر موارد اضطراری، در واکنش به توسل افراطی رژیم سابق به حکومت نظامی در اصل ۷۹، برقراری حکومت نظامی را به کلی ممنوع اعلام کرده است. در عین حال، «در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتا محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به‌رحال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد، دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند». در این اصل قانون اساسی، به دولت اجازه برقراری محدودیت‌های ضروری در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر جنگ داده شده است ولی با وجود حوادث و اتفاقات

سیاسی، امنیتی و طبیعی بسیار بزرگ در دهه اول انقلاب از جمله جنگ تحمیلی ۸ ساله، تعارضات داخلی و توسل به خشونت از طرفی برخی گروه‌های سیاسی در آغازین ماه‌های پیروزی انقلاب و به‌خصوص در سال ۱۳۶۰ و موارد مشابه، موردی از تقاضای دولت از مجلس یا تصویب قانونی توسط مجلس شورای اسلامی که متضمن محدودیت‌ها یا تعلیق حقوق و یا اعلام وضعیت اضطراری باشد مشاهده نمی‌گردد. ولی معمولاً با انعکاس تقاضای رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر یا مقامات دیگر به رهبری انقلاب، محدودیت‌ها یا اختیارات فوق‌العاده متناسب با موضوعات درخواست و تأیید شده است. به نظر می‌رسد با توجه به شرایط انقلابی و همراهی و مشارکت مردم و اعتماد به جایگاه رهبری انقلاب، در دهه اول انقلاب و دوران جنگ هشت ساله عراق علیه ایران یا موارد فوق‌العاده دیگر، تعلیق حقوق یا اعمال محدودیت‌هایی که نسبت به آزادی‌ها و حقوق وجود داشته است، بدون اینکه در قالب اصل ۷۹ قانون اساسی به قانون تبدیل شود یا تصویب یا اجازه رهبری اجرا و یا توسط شهروندان ایرانی تحمل گردیده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی با توجه به نیازها و واقعیت‌های حکمرانی در حوزه‌های مختلف در سال ۱۳۶۸ مورد بازنگری و اصلاح و تکمیل قرار گرفت. یکی از تأسیسات ایجادشده در قانون اساسی در بازنگری، پیش‌بینی شورای عالی امنیت ملی در اصل ۱۷۶ این قانون بود که مصوبات آن بعد از تأیید رهبری لازم‌الاجراست. این شورا به‌عنوان مرجع عالی سیاسی و امنیتی تا حد زیادی جایگزین فرایندهای پیش‌بینی شده در اصل ۷۹ قانون اساسی شده است. این شورا که به ریاست رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس قوه مجریه و با حضور رؤسای قوای مقننه و قضائیه و مقامات ارشد نظامی و امنیتی تشکیل و مصوبات آن با تأیید مقام رهبری برای همه لازم‌الاجراست، تا حد زیادی توانسته است در هنگام تصمیمات سخت در مسائل امنیتی و یا مدیریت حوادثی که نیازمند اعلام وضعیت اضطراری است، پتانسیل و انسجام لازم و فوری جهت اقدامات مورد نظر حاکمیت را در حوادث و بلايا فراهم نماید و به نظر می‌رسد بعد از بازنگری قانون اساسی نیز استفاده از ظرفیت اصل ۱۷۶، در عمل تقاضای تصویب مقررات اضطراری مطابق اصل ۷۹ قانون اساسی را به حاشیه برده و شاهد اجرای ترتیبات موضوع اصل مذکور نبوده ایم. شایان توجه اینکه در «قانون مدیریت بحران» مصوب ۱۳۹۸ که با لایحه دولت با عنوان «لایحه مدیریت حوادث غیر مترقبه» مورد بررسی و تصویب نهایی قرار گرفته است، با وجود اشاره مکرر به وضعیت اضطراری یا شرایط اضطراری، نه در مقدمه توجیهی و نه در گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و سند مصوب نهایی، ارتباطی با اصل ۷۹ قانون اساسی برقرار نکرده و توجه قانون‌گذار عمدتاً معطوف به اقدامات پیشگیرانه و وظایف دستگاه‌ها در مدیریت حوادث است و با وجود اینکه شیوع بیماری کرونا در فاصله کوتاهی بعد از ابلاغ این قانون اتفاق افتاد، مدیریت سیاسی و اجرایی کشور استفاده از ظرفیت آن قانون را برای مدیریت این بیماری کافی ندیده و با تصمیم شورای عالی امنیت ملی، ستادی با عنوان «ستاد ملی مقابله با بیماری کرونا» ایجاد شد که در عمل بدون توجه به فرایندهای پیش‌بینی شده در اصل ۷۹ قانون اساسی و تصویب مجلس، با اعلام وضعیت خاص یا فوق‌العاده در کنترل و مدیریت همه‌گیری کرونا، اقدامات متنوعی انجام داد که از جنس مقررگذاری برای کل کشور و تمام نهادها و حتی تصویب پروتکل برای تشکیل جلسات مجلس شورای اسلامی یا نحوه برگزاری جلسات دادگاه‌ها و یا مرخصی زندانیان و... است که فقط از منظر جایگاه مصوبات شورای عالی امنیت ملی و تأیید رهبری قابل توضیح است. تشکیل ستاد و اعلام تصمیمات آن هرچند در مدیریت بیماری خطرناک و کشنده کرونا تا حد زیادی مؤثر بوده است، ولی چالش‌هایی هم در این زمینه وجود دارد که بیش از آنکه به تصمیمات ستاد بازگشت کند، به ساختار آن و نبود ضمانت اجرای قانونی برای نقض تصمیم‌های آن باز می‌گردد.

در این راستا، می‌توان به ماده ۳۰۶^۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب سال ۱۳۷۹ اشاره کرد. مطابق این ماده، امراض یکی از دلایل موجه بودن مهلت و تجدید موعد جلسات دادرسی دادگاه است. علاوه بر این، در ماده ۱۰۰ این قانون هم اشاره شده است: «هرگاه در وقت تعیین شده دادگاه تشکیل نشود و یا مانعی برای رسیدگی داشته باشد به دستور دادگاه نزدیکترین وقت رسیدگی ممکن معین خواهد شد». با این حال، علاوه بر پیش‌بینی جهات عذر موجه در قانون آیین دادرسی مدنی برای دعاوی حقوقی، به موجب قانون آیین دادرسی کیفری نیز مواردی پیش‌بینی شده‌اند که عذر موجه متهم برای عدم حضور در دادگاه کیفری محسوب می‌شوند. جهات عذر موجه متهم در قانون آیین مورد بررسی قرار گرفته است. در این ماده نیز، دادرسی کیفری، به موجب ماده ۲۱۷۸ این قانون شرایط بحرانی پیش‌آمده در کشور را می‌توان از مصادیق بند «ت» این ماده، «ابتلاء به حوادث مهم از قبیل بیماری‌های واگیرداری و بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب عدم امکان تردد گردد»، دانست (میرکمالی، ۱۴۰۱: ۴۲۹-۴۲۸). با توجه به توضیحات ارائه شده و با توجه به اینکه بیماری کرونا، مطابق نظر پزشکان امراض عفونی و ریوی در زمره امراض مسری و واگیردار قرار دارد، بنابراین می‌شود با استفاده از این ظرفیت‌های قانونی، رسیدگی به پرونده‌های کیفری در مراحل مختلف دادرسی را مورد تغییر و تحول قرار داده و سازکارهای لازم برای اعمال فرایند دادرسی کیفری در مواجهه با وضعیت‌های اضطراری (به مانند آنچه که در کرونا شاهد آن بودیم) را با حداقل خسارات وارده اجرایی نمود.

تحقیقات مقدماتی در وضعیت اضطراری

با عنایت به آنچه پیرامون وضعیت اضطراری بیان گردید و همچنین، همانگونه که در ظهور و همه‌گیری بیماری کرونا شاهد آن بودیم؛ وضعیت اضطراری تمامی امور از جمله دادرسی‌ها را نیز تحت شعاع قرار می‌دهد. در این بیماری، از جمله اصلی‌ترین مراجع حضور و ازدهام جمعیت، مراجع قضایی و انتظامی بودند. از همین‌رو قوه قضائیه به منظور جلوگیری از همه‌گیری هر چه بیشتر این بیماری در بین مردم و اعمال توصیه‌های بهداشتی، اقدام به صدور چندین دستورالعمل در خصوص فعالیت بخش‌های مختلف قضایی به تمامی واحدهای ستادی، قضایی و سازمانهای تابعه قوه قضائیه ابلاغ کرد. در این دستورالعمل‌ها، بر رعایت سازوکارها و موارد مهمی از قبیل دورکاری یک‌سوم نیروها، اجرای طرح فاصله‌گذاری برای آن‌دسته از همکارانی که حضورشان در ادارات الزامی است، استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی در تمامی فرایندهای قضایی، تعیین نحوه حضور طرفین دعوا در دادسراها و دادگاهها، تعیین شیوه محاکمه متهمانی که بازداشت موقت هستند، ایجاد پیشخوان قضایی برای اطلاع‌رسانی به طرفین دعوا و همچنین راهنمایی مراجعان در راستای رعایت ضوابط بهداشتی، استفاده از ظرفیت‌های قانونی، همچون تعیین مجازات جایگزین و تعلیق و تعویق مجازات و اجرای احکام برای کاهش جمعیت کیفری مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین؛ جریان دادرسی‌ها تحت تاثیر این دستورالعمل‌ها و دیگر قوانینی که بیان گردید؛ با تغییراتی مواجه گردید، به طوری که منجر به افتراقی شدن دادرسی‌ها به ویژه دادرسی‌های کیفری و تعلیق یا تحدید برخی از حقوق و آزادی‌های شهروندی شد.

^۱ ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)؛ «... جهات زیرعذر موجه محسوب می‌گردد: ۱- مرضی که مانع از حرکت است. ۲- فوت یکی از والدین یا همسر یا اولاد. ۳- حوادث قهریه از قبیل سیل، زلزله و حریق که بر اثر آن تقدیم دادخواست وخواهی در مهلت مقرر ممکن نباشد. ۴- توقیف یا حبس بودن به نحوی که نتوان در مهلت مقرر دادخواست...».

^۲ ماده ۱۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲؛ «متهم مکلف است در موعد مقرر حاضر شود و اگر نتواند باید عذر موجه خود را اعلام کند. جهات زیر عذر موجه محسوب: میشود الف) نرسیدن یا دیر رسیدن احضاریه به گونه‌ای که مانع از حضور شود. ب) بیماری متهم و بیماری سخت والدین، همسر یا اولاد وی که مانع از حضور شود. پ) همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم فوت شود. ت) ابتلاء به حوادث مهم از قبیل بیماری‌های واگیردار و بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب عدم امکان تردد گردد. ث) متهم در توقیف یا حبس باشد. ج) سایر مواردی که عرفاً به تشخیص بازپرس عذر موجه محسوب می‌شود.»

با توجه به جنبه جهانی بیماری کرونا، این تغییر و تحولات خاصه در کشور ایران نبوده بلکه در بسیاری از کشورها منجر به تغییراتی در سیستم دادرسی‌ها به‌ویژه دادرسی‌های کیفری گردید به‌طوری که این کشورها با تصویب قوانین و مقررات جدید، سعی کردند، جریان دادرسی‌ها را متناسب با وضعیت اضطراری بوجود آمده تطبیق داده و در واقع دادرسی افتراقی جدیدی را شکل دهند. بر اساس بند دوم ماده ۱۱ قانون وضعیت اضطراری سلامت؛ دولت فرانسه اجازه تصویب قوانینی در خصوص فرایند دادرسی کیفری پیدا کرد. اهمیت فرایند کیفری دولت را بر آن داشت تا تنها دو روز بعد، اولین مصوبه به شماره ۳۰۳-۲۰۲۰ را تصویب کند. این قانون در ۲۶ مارس منتشر شد.^۱ به‌موجب این قانون، از آنجایی که قانون آیین دادرسی کیفری نظم عمومی و آزادی‌های اساسی را تامین می‌کند، در شرایط فعلی نیاز به مقررات تکمیلی دارد، درحالی که کل کشور به صورت آهسته در حرکت است، دادگاه‌ها نیز جز در موارد اضطراری فعالیت دیگری نخواهند داشت. در بلژیک نیز شرایط مشابهی در نظر گرفته شد. حتی در بلژیک از کرونا به‌عنوان یکی از واضعان قانون در کنار قوه مقننه و پادشا نام برده شد است. دولت فدرال پیش‌نویس فرمان‌های سلطنتی را در زمینه‌های مختلف آماده و به پادشا تقدیم نمود که مقررات مربوط به فرایند کیفری در فرمان شماره ۳ آوریل ۲۰۲۰ پیش‌بینی شده است. در این فرمان، مقررات مختلفی در زمینه رسیدگی کیفری و اجرای مجازات‌ها در نظر گرفته شده است.^۲ در نظام حقوقی ایران نیز، پیش‌بینی برخی از مصوبات به‌ویژه مصوبات شورای عالی امنیت ملی، ستاد ملی کرونا بخشنامه‌های قوه قضائیه، منجر به تغییرات در روند دادرسی‌های کیفری گردید که در مجموع موارد ذیل از جمله مصادیق پیش‌بینی شده در این مصوبات بودند که به‌صورت خاص در ارتباط با دادرسی‌های کیفری بودند:

۱. از هرگونه احضار و جلب افراد در موارد غیرضروری اجتناب شود.
۲. ضمن رعایت دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضائیه، به نحو مقتضی از حضور افراد غیر مرتبط و همراهان اصحاب پرونده در واحدهای اداری و قضایی جلوگیری شود.
۳. در صورت لزوم، در ارسال احضاریه برای متهمان به همراه داشتن کفیل یا وثیقه مناسب یادآوری گردد.
۴. ابلاغ الکترونیک و استفاده حداکثری و بموقع از ابزار الکترونیک در تمام مراحل اداری رسیدگی به پرونده‌ها توسعه و ارتقاء یابد. در این رابطه استفاده از سامانه‌های پرداخت الکترونیک و ارتباط تصویری امن داخلی نیز فراهم گردد و از ظرفیت‌های موجود در ماده ۶۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری، موضوع سامانه‌های ویدئو کنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی در مراحل رسیدگی به منظور تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادت از شهود و یا اخذ نظرات کارشناسی، حتی المقدور استفاده شود، مرکز آمار و فناوری اطلاعات می‌تواند از طریق دفاتر خدمات قضایی برای راه اندازی سامانه‌های مزبور استفاده کند.
۵. ارجاع دستورات و استعلامات از سوی مراجع قضایی و ارسال شکوائیه‌ها، گزارش‌ها و اعلام نتایج اقدامات انجام شده از سوی مراجع مرتبط با قوه قضائیه، از قبیل ضابطان، وکلاء کارشناسان رسمی، مشاوران و هیأت‌های منصفه حتی الامکان به صورت الکترونیکی انجام شده و استفاده از خدمات خودکاربری در خصوص اوراق قضایی از قبیل ارسال لوایح و گواهی عدم سوء پیشینه کیفری گسترش یابد.

¹ - www.justice.gouv.fr/bo/2020/20200326/JUSD2008571C.pdf

² - http://www.ejustice.just.fgov.be/cgi_loi

۶. با توجه به زیرساخت‌ها و تمهیدات موجود، تمام مکاتبات سازمانی قوه قضائیه، با سازمان‌های تابعه مانند سازمان‌های زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، ثبت اسناد و املاک و پزشکی قانونی به صورت الکترونیکی انجام شود و از ارسال غیر الکترونیکی، پستی و یا بوسیله پیک خودداری گردد.

۱. استفاده از سامانه‌های الکترونیکی و ارتباط تصویری با رعایت قوانین و مقررات مربوط، به منظور برگزاری غیرحضوری جلسات رسیدگی در دعوی و شکایات و در راستای کاهش ازدحام افراد مورد تأکید است.

۲. استفاده حداکثری از نهادهای ارفاقی.

پیش‌بینی موارد یاد شده، منجر به تغییراتی در فرایند دادرسی‌های کیفری گردید. از بین مراحل دادرسی کیفری، بیشترین پیامد وضعیت اضطراری چه از بعد امنیتی و چه از بعد غیرامنیتی، متوجه تحقیقات مقدماتی است که محل تقابل نظم و امنیت و حقوق و آزادی‌های شهروندی است؛ چرا که این مرحله، محل اصلی تقابل حقوق و آزادی‌های شهروندی و نظم و امنیت است. در این مرحله می‌توان از تعارض حق‌ها با یکدیگر و یا تعارض حق‌ها با هنجارها و مصالح اجتماعی سخن گفت. عوامل متعددی همچون امنیت ملی، تمامیت ارضی، نظم عمومی، اخلاق حسنه، بهداشت عمومی و حقوق و آزادی‌های دیگران می‌توانند منجر به تعلیق یا تحدید حق‌ها در این مرحله از دادرسی‌های کیفری گردند. در ادامه با تمرکز بر وضعیت بوجود آمده ناشی از بیماری کرونا، با این تغییرات که منجر به افتراقی شدن ۱- شروع به تعقیب و ۲- شروع به تحقیق در مرحله تحقیقات مقدماتی گردیده، آشنا می‌شویم.

شروع به تعقیب

یکی از مهمترین تأثیرات وضعیت اضطراری، افزایش اختیارات مقامات قضایی و انتظامی در مرحله شروع به تعقیب است. از بین این مقامات، افزایش اختیارات دادستان، بیشترین تأثیر را می‌تواند بر حقوق و آزادی‌های شهروندی داشته و منجر به افتراقی شدن تعقیب گردد. با توجه به اینکه در برخی از جرایم، علاوه بر اینکه دادستان مقام تعقیب است، به تحقیقات مقدماتی نیز می‌پردازد، همچنین در ارجاع تحقیق به بازپرس نیز این اختیار را دارد که نقص تحقیقات را به وی گوشزد و بر تحقیقات وی نظارت داشته باشد، بدین ترتیب، دادستان، در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز نقش کلیدی دارد. مطابق قانون آیین دادرسی کیفری، تعقیب بر عهده دادستان یا مدعی‌العموم است. دادستان به نمایندگی از جامعه این وظیفه را بر عهده داشته و در جهت اجرایی شدن تعقیب جنبه عمومی جرم ارتكابی یا اقامه‌ی دعوی عمومی ملزم به تعقیب می‌باشد. معمولاً؛ دادستان این وظیفه خود را با صدور کیفرخواست به پایان می‌رساند و از این طریق از دادگاه تقاضای تعیین مجازات و یا اقدامات تأمینی و تربیتی برای متهم را می‌نماید. اختیارات دادستان در تعقیب و تحقیقات مقدماتی، در وضعیت‌های اضطراری، همسان با وضعیت‌های عادی باشد، بلکه بدیهی است که با افزایش اختیارات همراه خواهد بود. در وضعیت‌های امنیتی، این افزایش اختیارات ممکن است با مصوبات نهادهای فراقوه‌ای نظیر شورای عالی امنیت ملی و در وضعیت‌های غیرامنیتی نظیر آنچه در بیماری کرونا شاهد آن بودیم، با مصوبات ستاد کرونا، مصوبات قوه قضائیه و... باشد.

در بحران‌های امنیتی یا شرایط اضطراری ناشی از وضعیت‌های امنیتی؛ افزون بر اعطای قدرت و اختیارات فراوان به مقامات قضایی و ضابطان دادگستری برای تعقیب کیفری و بازداشت اشخاص به بهانه‌ی حراست از امنیت هنجاری، شبکه‌های کنترل و نظارت بر شهروندان و نیز قدرت و آزادی عمل پلیس و ضابطان به هنگام بحران‌های سیاسی و اجتماعی، گسترش یافته و منطبق بر خورد و سرکوب در سطح بالایی مورد توجه قرار می‌گیرد. هر چند در ماده‌ی ۲۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، احضار و جلب اشخاص منوط به وجود «دلایلی کافی» شده و نادیده

گرفتن آن، ضمانت‌اجرای انتظامی دارد، اما با نبود نظارت مستمر و سازکارهای شفاف و مناسب بر قضات و نیز فقدان ضابطه‌گذاری دقیق برای «دلایل کافی»، این قاعده در عمل و به خصوص در مواقع بحران، رعایت نمی‌شود. افزون بر اینها، دادن اختیارات فراوان به دادستان‌ها در مراحل مختلف فرآیند کیفری، تا حدودی الزامات یک دادرسی عادلانه، از جمله اصل بی‌طرفی و اصل تساوی سلاح‌ها را نقض می‌کند (فتحی و دادیار، ۱۳۹۲: ۱۴۹-۱۲۳). در بحران غیرامنیتی کرونا، این افزایش اختیارات، به بهانه‌ی نظارت بر شهروندان و توجیه حفظ سلامتی آن‌ها انجام شد، بدین ترتیب، دادستان اختیار و آزادی عمل یافت که در مواردی بدون اینکه شخصی مرتکب جرمی شود، از قدرت نظارتی خود استفاده نموده و آزادی‌های وی را محدود نماید، یا در راستای، کاهش رفت و آمد، مقررات منع آمد و شد یا کاهش حضور در محاکم را صادر نماید؛ چرا که بر اساس مصوبات ستاد ملی کرونا یا سایر مصوبات به ویژه بخشنامه‌های صادره از سوی قوه قضائیه سیاست‌هایی را به کار گیرد که کمترین آسیب متوجه سلامتی شهروندان گردد.

افزون بر مقامات تعقیب، نیروهای نظامی و انتظامی و ضابطان دادگستری و بویژه ضابطان خاص که شمار آن‌ها در حقوق ایران فراوان و پراکنده است، در شرایط بحران، اختیارات گسترده‌ای پیدا می‌کنند. در این‌جا نیز باید بین بحران‌های امنیتی یا شرایط اضطراری ناشی از مسائل امنیتی با شرایط اضطراری ناشی از مسائل غیرامنیتی، باید قائل به تفکیک شد. در شرایط اضطراری ناشی از مسائل امنیتی نظیر آنچه که در بحث حجاب شاهد بودیم، ضابطان دادگستری در ایران، در مواجهه با جرایم مشهود موضوع ماده‌ی ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، قدرت عمل بالایی دارند. ضابطان در همی این جرایم بدون توجه به درجه‌ی آنها، می‌توانند متهم را بازداشت و تا بیست‌وچهار ساعت تحت نظر قرار دهند. بر این اساس، آن‌ها می‌توانند به بهانه‌ی ضرورت انجام تحقیقات، حتی در جرمی با جزای نقدی درجه‌ی هشت، بدون اجازه‌ی مقام قضایی، متهم را بازداشت کنند. پیامدهای اجتماعی این اقدامات در ایران در چارچوب «پلیس امنیتی اخلاقی» یا «پلیس گشت ارشاد»، قابل ارزیابی است. برای ایجاد «امنیت اخلاقی» با قرائت رسمی، تشکیلات عظیمی راه‌اندازی شده که در عمل به دلیل نافرمانی اجتماعی، هزینه‌های سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی گسترده‌ای به کشور تحمیل شده است. در جرایم درجه‌ی شش تا هشت، به‌رغم آنکه به موجب ماده‌ی ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ صدور قرار بازداشت موقت ممنوع است، اما دستگیری متهم توسط ضابطان در فرض مشهود بودن جرم، به تصریح ماده‌ی ۴۶ قانون مذکور الزامی می‌باشد و این تناقض، چالش‌برانگیز است (رستمی، ۱۴۰۲: ۸۵). اما در بحران کرونا، نیروی انتظامی موظف شد، در راستای کاهش ازدهام و حضور اشخاص در مراجع انتظامی، تا جایی که امکان داشت میزان حضور اشخاص یا دعوت از آن‌ها را به این مراجع کاهش داده و حتی در جرایم مشهود، تحت‌نظرها را به حداقل رسانده و بلافاصله آن‌ها را به مراجعه قضایی معرفی نماید.

بدین ترتیب بسته به نوع شرایط اضطراری، افزایش اختیارات ممکن است در راستای حقوق و آزادی‌های شهروندی یا بالعکس مغایر آن باشد. نظامی حقوقی ایران، هر دو وضعیت را به خود دیده است؛ بدین ترتیب که در بحران کوی دانشگاه تهران ۱۳۷۸، انتخابات در ۱۳۸۸، قیمت بنزین در ۱۳۹۸، حجاب و عفاف در ۱۴۰۱ افزایش اختیارات دادستان و ضابطان دادگستری با توجیه برقراری امنیت و تعلیق بسیاری از حقوق شهروندی در تحقیقات مقدماتی همراه بود؛ اما در وضعیت‌های غیرامنیتی نظیر آنچه که در زلزله‌ها و بیماری کرونا شاهد آن بودیم، این افزایش اختیارات در راستای حمایت و حفاظت از سلامتی شهروندان توجیه می‌شود.

شروع به تحقیق

علاوه بر شروع به تعقیب و افزایش اختیارات مقامات تعقیب در مواجهه با وضعیت اضطراری ناشی از کرونا، از مهمترین جلوه‌های افتراقی شدن مرحله تحقیقات مقدماتی در مواجهه با این وضعیت می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

الف: تعلیق و تحدید حقوق و آزادی‌های شهروندی

همانگونه که در بررسی اسناد بین‌المللی بیان گردید؛ امکان محدود و مقید سازی حقوق و آزادی‌ها در اسناد بین‌المللی در شرایط اضطراری مورد توجه قرار گرفته و عناصر محدودکننده‌ای چون حقوق و آزادی‌های دیگران، نظم عمومی و رفاه همگانی و... به عنوان عاملی محدود کننده، ملحوظ شده است. در کل با عنایت به اسناد بین‌المللی، دولت‌ها حق دارند با تمسک به چند عامل مهم، حقوق و آزادی‌های مردم را محدود سازند. این عوامل عبارت‌اند از: احترام به حقوق، حیثیت و آزادی‌های دیگران، حفظ امنیت ملی، حفظ نظم عمومی، حمایت از اخلاق حسنه و صیانت از بهداشت عمومی. بدین ترتیب، تعلیق و تحدید حقوق و آزادی‌های شهروندی در ایام کرونا، متکی بر مبانی و اسناد بین‌المللی بوده و علاوه بر اینکه این تعلیق و تحدید با استناد به صیانت از بهداشت عمومی به صورت خاص توجیه پذیر است، نظم عمومی و امنیت ملی نیز می‌تواند مبنایی برای توجیه آن باشد چرا که در شرایط اضطراری به مانند آنچه که در ایام کرونا شاهد آن بودیم، این بیماری، با نظم عمومی و امنیت ملی در ارتباط قرار داشت و عدم مداخله و اقدامات محدودکننده می‌توانست منجر به اختلال در نظم عمومی و خدشه به امنیت ملی باشد. تعلیق حقوق به این معنا است که دولت‌ها می‌توانند در مواقعی که یک خطر عمومی و استثنایی موجودیت کشور را تهدید نماید، برخی از حقوق و آزادی‌های شهروندان را موقتاً معلق نمایند. محدودیت حقوق، با تعلیق حقوق شباهت‌های زیادی دارند زیرا که هر دوی آن‌ها به محدود شدن حقوق و آزادی‌ها منجر می‌شوند. اما این دو چند تفاوت اساسی با یکدیگر دارند:

الف) محدودیت‌ها در شرایط عادی اعمال شده و به صورت دائمی می‌باشند اما تعلیق حقوق در شرایط بسیار استثنایی اعمال شده و به صورت موقتی می‌باشند. به عنوان مثال، هنگامی که یک کشور در معرض یک خطر داخلی یا خارجی باشد، به طوری که تمامیت ارضی آن مورد خدشه قرار گیرد، در این حالت می‌توان به طور موقت آزادی بیان و مطبوعات را معلق نمود. اما چنانچه این کشور در معرض خطرهای فوق نباشد و کشور در شرایط عادی باشد، آزادی بیان و مطبوعات پا برجا می‌باشد و فقط می‌توان نسبت به اجرای این حقوق قائل به محدودیت‌هایی شد (قربان‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۸).

ب) در محدودیت‌ها، وقتی یک حق مورد تحدید واقع شود، به تمامیت این حق نمی‌توان لطمه‌ای وارد نمود. بلکه اجرای آن به طور جزئی محدود می‌گردد، حال آنکه با تعلیق یک حق، این حق به صورت موقت و به طور کامل، قابلیت اجرایی خود را از دست می‌دهد. همچنین برخی از حقوق قابل تعلیق هستند اما نمی‌توانند مورد محدودیت قرار گیرند. مثال حق برخورداری از محاکمه منصفانه یا حق شرکت در انتخابات آزاد یا حق دسترسی به دادگستری، که در هنگام جنگ می‌توان این حقوق را معلق کرد، اما در شرایط عادی نمی‌توان آن‌ها را محدود نمود. برخی حقوق هستند که هم قابل تعلیق بوده و هم قابل محدودیت‌اند. از جمله این حقوق می‌توان به حق آزادی، حق امنیت، حق برخورداری از دادرسی دو مرحله‌ای در زمینه کیفری، حق مالکیت، حق آزادی تجمع و آزادی بیان اشاره کرد. اما در مورد برخی حقوق امکان هیچ گونه محدودیتی نیست که به حقوق غیرقابل نقض مشهورند و عبارتند از: حق حیات، ممنوعیت شکنجه یا مجازات‌های بی‌رحمانه و تزدیلی، منع بردگی، منع عطف قوانین کیفری بماسبق. این حقوق تحت هیچ شرایط یا اوضاع و احوالی قابل تعلیق نیستند (کوچ نژاد، ۱۳۸۳: ۱۷۲؛ قربان‌نیا،

۱۳۸۶: ۴۲؛ یوسفی و شاملو، ۱۳۸۹: ۳۱۸ و آقابابایی، ۱۳۸۶: ۴۲). با عنایت به موارد یاد شده می‌توان دریافت که وضعیت اضطراری موقت است، بنابراین تعلیق و تعویق نیز موقت بوده و با از بین رفتن موجبات وضعیت اضطراری، تعلیق هم برداشته می‌شود.

ب: تحت شعاع قرار گرفتن حق حضور در تحقیقات

یکی از سیاست‌های قوه قضائیه در ایام کرونا، پیش‌بینی سازکارهایی برای کاهش حضور اصحاب دعوی در مراحل داری‌های کیفری از جمله در تحقیقات مقدماتی بود. پیش‌بینی ممنوعیت احضار تا حد امکان، لزوم ارائه الکترونیکی شکوائیه، ارائه لوایح دفاعی به صورت الکترونیکی، استفاده از تمام ظرفیت‌های قانونی برای کاهش حضور در محاکم و... از جمله این سازکارها بودند که در بخشنامه‌های قوه قضائیه خطاب به مقامات دادسرا و دادگاه صادر می‌شدند. هدف از این سازکارها، کاهش حضور طرفین پرونده در دادرسی‌ها بود که با توجه به نمود اصلی این حضور در مرحله تحقیقات مقدماتی از باب ارائه شکایت توسط بزه‌دیده و دفاع و آخرین دفاع در این مرحله توسط متهم، حق حضور آن‌ها تحت شعاع سیاست‌های پیش‌بینی شده در وضعیت اضطراری ناشی از بیماری کرونا بود. در مورد حق حضور در مرحله تحقیقات می‌توان بیان داشت که، از الزامات اساسی یک دادرسی منصفانه، حق حضور متهم و شاکی در رسیدگی‌های کیفری است. این حق برای تمامی طرف‌ها از اهمیت فراوانی برخوردار است. چرا که موجب ارزیابی اظهارات متهم در مقایسه با اظهارات بزه‌دیده و شهود می‌شود. به عبارت دیگر از یک سو، عنصر مهمی در حق دفاع شخصی است و از سوی دیگر توانایی روبه‌رو شدن متهم با دادستان و واردکننده اتهام را فراهم می‌نماید. مشارکت و حضور بزه‌دیده؛ به‌ویژه در آغازگری دعاوی کیفری یعنی مرحله تحقیقات مقدماتی، نباید تصنعی و تشریفاتی، بلکه واقعی و فعال باشد. در این راستا؛ طبق ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک، شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله خود را ارائه کند و در تحقیقات حضور داشته باشد». در مورد متهم نیز، می‌توان در مورد حق حضور وی، به پیش‌بینی مرحله‌ای تحت عنوان واخواهی اشاره کرد که مطابق آن؛ اگر متهم در دادرسی حضور نداشته و... می‌تواند اعتراض نموده و رسیدگی مجدد را تقاضا کند. یکی از تضمینات اساسی برای تحقق توازن طرف‌های دعوا که نشان از حضور فعال متهم دارد، حق دسترسی و مطالعه اطلاعات تحقیقاتی توسط طرف‌ها یا وکلای آن‌ها است. حقی که بر ترافعی شدن هر چه بیشتر تحقیقات می‌افزاید و از بار سَرّی بودن مرحله تحقیقات مقدماتی می‌کاهد. بر این پایه، متهم یا وکیلش باید به اطلاعات لازم از جمله اسناد، و سایر ادله و مدارکی که به آن‌ها در ارائه دفاعیاتشان کمک می‌کند، دسترسی داشته باشند زیرا از نظر کمیته حقوق بشر، چنین اطلاعاتی فرصتی را برای متهم ایجاد می‌کند که از اظهارنظرهای ثبت‌شده و مدارک مورد استناد دادستان آگاه شود و در مورد آن‌ها اظهارنظر کند. علاوه بر حق حضور بزه‌دیده و متهم، آن‌ها همچنین این حق را نیز دارند که برای اثبات ادعای خود در وقوع جرم از مقام تحقیق بخواهد تا شهود و مطلعین مورد نظر وی را احضار کند. حتی در مواردی که احقاق حقوق و کشف حقیقت به اظهارات شهود و مطلعین منحصر باشد، جلب آن‌ها توسط مقام تحقیق ضروری است. در این رابطه ماده ۲۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته است: «طبق ماده ۱۰۰ این قانون، شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله خود را ارائه کند و در تحقیقات حضور داشته باشد». با وجود اهمیت حق حضور، بنا به شرایطی که در مورد وضعیت اضطراری ناشی از کرونا بیان گردید، این حق به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی که حضور طرفین پرونده الزامی است و حتی در برخی از موارد بدون حضور آن‌ها امکان انجام تحقیقات مقدماتی وجود ندارد، تحت شعاع قرار گرفت و تدابیر مختلفی پیش‌بینی گردید که مغایر با این حق در یک دادرسی عادلانه در شرایط عادی بودند.

پ: منع صدور قرار بازداشت و قرارهای منتهی به بازداشت

یکی از مهمترین اقداماتی که در مرحله تحقیقات مقدماتی در وضعیت‌های اضطراری می‌توان بکار گرفت؛ استفاده از قرارهای تأمینی است که منجر به بازداشت نگردد. به‌عنوان نمونه با توجه به وضعیت بحران بیولوژیکی پیش آمده و با عنایت به اینکه قضات طبق قانون آیین دادرسی موظف‌اند بعد از تفهیم اتهام به یک متهم برای او یک قرار تأمین صادر کنند، ضروری است تا ضرورت ایجاب نکند، از بازداشت افراد خودداری شود و قضات می‌توانند با توجه به شخصیت فرد متهم، از سایر قرارهای التزام‌آور استفاده کنند. همچنین ضروری است که با رویکرد کاهش ورودی افراد به زندان‌ها، از صدور قرارهای تأمین منجر به بازداشت جز در موارد ضروری اجتناب گردد. در این خصوص ماده ۱۲ بخشنامه معاون اول قوه قضائیه در خصوص فعالیت برای جلوگیری از بازداشت بخش‌های مختلف قضایی به‌منظور پیشگیری از شیوع کرونا، متهمین به علل عدم توانایی در تهیه کفیل یا وثیقه مناسب، مقرر نموده است که در صورت لزوم، در ارسال احضاریه برای متهمان به همراه داشتن کفیل یا وثیقه مناسب یادآوری گردد. پس از احضار متهم به دادسرا و در صورت توجه اتهام به او و لزوم صدور قرار تأمین کیفری در خصوص وی، صدور قرار بازداشت موقت یا سایر قرارهای تأمین کیفری که منتهی به بازداشت موقت متهم می‌گردد، با عنایت به شرایط حساس کنونی، نیازمند دقت و حساسیت ویژه‌ای است. در این خصوص، ماده ۱۲ بخشنامه ۲۲ ماده‌های معاون اول قوه قضائیه در خصوص فعالیت بخش‌های مختلف قضایی به‌منظور پیشگیری از همه‌گیری کرونا را که در تاریخ ۱۳۹۹/۱/۲۷ به کلیه واحدهای ستادی، قضایی و سازمان‌های تابعه قوه قضائیه ابلاغ شده، به‌منظور جلوگیری از بازداشت متهمین به‌علل عدم توانایی در تهیه کفیل یا وثیقه مناسب، مقرر نموده است که در صورت لزوم، در ارسال احضاریه برای متهمان به همراه داشتن کفیل یا وثیقه مناسب یادآوری گردد. همچنین اعزام متهم و زندانی در صورت ضرورت صرفاً با تشخیص و دستور مقام قضایی با رعایت ضوابط بهداشتی در خصوص اعزام زندانیان انجام خواهد شد. همچنین به موجب این بخشنامه، رئیس محترم قوه قضائیه دستور داده‌اند که اعزام متهم و زندانی در صورت ضرورت، صرفاً با تشخیص و دستور مقام قضایی با رعایت کلیه ضوابط بهداشتی انجام گیرد و از انتقال زندانیان از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر حد امکان پرهیز گردد.

ت: بکارگیری نهادهای ارفاقی

همانگونه که بیان شد؛ در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و به دنبال آن در ق.آ.د.ک ۱۳۹۲؛ شاهد افزایش گستره اختیارات دادستان و مقامات تحقیق در بکارگیری نهادهای ارفاقی و اعطای فرصت برای معامله اتهام و میانجی‌گری هستیم. استفاده از این اختیارات در زمان کرونا بدلیل کارکردهای ویژه‌ای که در خصوص کاهش جمعیت زندانی داشت، در بند ۱۴ بخشنامه مورخ ۱۳۹۹/۱/۲۰ نیز مورد تأکید قرار گرفت و مقرر گردید: «استفاده حداکثری از نهادهای ارفاقی، از قبیل تعویق صدور حکم، حکم به معافیت از کیفری تعلیق تعقیب، تعلیق اجرای مجازات و بهره‌مندی از ظرفیت‌های موجود، مانند تعیین مجازات‌های درجه ۷ و ۸ مندرج در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی و مجازات‌های جایگزین حبس مورد توجه قضات صادرکننده حکم قرار گیرد». بنابراین هم از نظر مبانی قانونی و هم پیش‌بینی اختیارات در مقررات اجرایی در ارتباط با کرونا، در مرحله تعقیب و تحقیقات مقدماتی می‌توانند در جرایم کم اهمیت با استفاده حداکثری از نهادهای ارفاقی؛ اولاً مانع حضور و ازدحام در مراجع قضایی شده و ثانیاً؛ به جای آن به پرونده‌های مهم و ضروری بپردازند.

در جرم‌شناسی نیز استفاده از نهادهای ارفاقی با عناوینی نظیری کیفرزدایی و قضازدایی در راستای ممانعت از برچسب‌زنی به متهم و دیگر مزایایی که دارند؛ مورد پیشنهاد قرار گرفته است. کیفرزدایی؛ یکی از راهکارهای کاهش مداخله کیفری است که با حفظ وصف مجرمانه، تغییر وصف یک جرم از جنایت به جنحه را ممکن می‌شود و افزون بر آن، تبدیل مجازات به پاسخ‌های غیرکیفری یا پاسخ‌های کیفری خفیف‌تر

مانند جانشین‌های زندان نیز در این مفهوم می‌گنجد (محمودی جانکی، ۱۳۸۷: ۳۲۳) به تعبیری دیگر کیفرزدایی عبارت است از تدابیری که پس از احراز مجرمیت مرتکب، در سامانه زدایش کیفری صورت می‌پذیرد، تدابیری که به‌طور مستقیم به کاهش، تعدیل و معافیت از کیفر منجر می‌شوند (صادقی، ۱۳۹۸: ۱۵). در فرض پایبندی به تعریف یاد شده؛ استفاده از تدابیری نظیر؛ معافیت از کیفر، تعویق صدور حکم و تعلیق مجازات، نظام نیمه آزادی، و نهاد توبه از جمله تدابیر کیفرزدایانه‌ای هستند که باید در دوران کرونا در مرحله تحقیقات مقدماتی مورد توجه قرار گیرد. در مورد قضا‌زدایی نیز باید بیان داشت که در قضا‌زدایی، هدف متصدیان سیاست جنایی پرهیز از درگیر شدن مرتکبان در فرایند عدالت کیفری یا در صورت ورود به این فرایند، جلوگیری از ادامه مسیر آنان با اتخاذ تدابیر ویژه است؛ بنابراین استفاده از تدابیری نظیر ترک تعقیب، بایگانی پرونده، ارجاع پرونده به میانجی‌گری، تعلیق تعقیب و... از جمله تدابیر قضا‌زدایانه‌ای می‌باشند که در مرحله تحقیقات مقدماتی و به ویژه در ایام کرونا به‌عنوان مصداقی از شرایط اضطراری می‌تواند کاربردی و اثربخش باشد.

استفاده از نهادهای ارفاقی ضمن آنکه یک تدبیر سیاست جنایی پیشگیرانه تلقی می‌شود، مستلزم وجود زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی است که در فرهنگ عمومی ایرانی - اسلامی به‌روشنی می‌توان زمینه‌های آن را یافت. نهادهایی از جمله میانجی‌گری، حکمیت، داوری، صلح و سازش، جلسات مردم‌داری و ریش‌سفیدی، از جمله نهادهایی هستند که در فرهنگ عمومی جامعه ایرانی ریشه دارند و زمینه توجه و گرایش به نهادهای ارفاقی را به‌خوبی تقویت می‌کنند. در اصل در فرهنگ ایرانی - اسلامی ارجاع اختلافات به مراجع رسمی قضایی را نمی‌توان در صدر گزینه‌های حل اختلاف‌ها دانست بلکه تاکید و توصیه به عفو و گذشت از گزینه‌هایی است که با داشتن صبغه معنوی ترجیح می‌یابند. در فرهنگ سنتی ما گرایش عمده آن است که از طریق بزرگ‌ترهای قوم و فامیل و نیز ریش‌سفیدها و شیوه‌هایی از قبیل میانجی‌گری و داوری، حل اختلاف کنند و در صورت نتیجه نگرفتن، به‌عنوان آخرین گزینه به دادگستری و مقامات قضایی متوسل شوند.

نتیجه‌گیری

با عنایت به آنچه که مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت می‌توان دریافت که دادرسی کیفری همواره به‌صورت عادی و یکنواخت در همه جرایم و در همه وضعیت‌ها نبوده بلکه نوع جرم ارتكابی و یا وضعیت به‌وجود آمده ممکن است منجر به دادرسی کیفری افتراقی گردد. از جمله جلوه‌های مهمی که منجر به دادرسی افتراقی می‌گردد و در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها نیز به آن تصریح شده، دادرسی کیفری در وضعیت استثنایی یا بحرانی است. یکی از بارزترین خاستگاه‌های وضعیت اضطراری بیماری‌های فراگیر هستند. در طول تاریخ، زیست افراد زیادی در مواجهه با این بیماری‌ها به مخاطره افتاد و کشورهای زیادی را در گیر در یک وضعیت بحرانی قرار داده است. پاندمی کرونا، به‌عنوان جلوه‌ای از وضعیت اضطراری، فرایندهای دادرسی کیفری را در کلیه کشورها با تغییراتی مواجه نموده و منجر به تعلیق یا محدودیت‌هایی در برخورداری از برخی حقوق شده است. وضعیت اضطراری با مصادیق و تعاریف ذکر شده در هر موضوعی تاثیرگذار بوده و می‌تواند جریان امور را با تغییر و تحولاتی همراه نماید. در دادرسی‌ها اعم از حقوقی و کیفری نیز چنین وضعیت‌هایی می‌تواند سیر دادرسی را در کلیه مراحل آن تحت تاثیر قرار دهد. در این بین با توجه به حساسیت‌هایی که دادرسی‌های کیفری در نظم و امنیت و حقوق اصحاب دعوی کیفری دارد، اعمال هر گونه تغییر باید با در نظر گرفتن جوانب متعددی باشد. با پیدایش پاندمی کرونا و لزوم عدم تجمع و مراجعه و مواجهه حداقلی در مراجع قضایی و انتظامی، دستورالعمل‌هایی خطاب به این مراجع توسط قوه قضائیه صادر گردیده و مقامات ملزم به اجرایی نمودن تدابیر و اعمال محدودیت‌هایی در حقوق طرفین دعوی کیفری گردیده‌اند. بوجود آمدن وضعیت اضطراری ناشی از پاندمی کرونا منجر به افتراقی شدن تحقیقات مقدماتی گردید. افزایش اختیارات مقامات دادسرا و ضابطین، تعلیق و تحدید حقوق و آزادی‌های شهروندی، تحت شعاع قرار

گرفتن حق حضور در تحقیقات، منع صدور قرار بازداشت و قرارهای منتهی به بازداشت و بکارگیری نهادهای ارفاقی به ویژه تعلیق تعقیب، میانجیگری و... از جمله مهمترین جنبه‌های افتراقی تحقیقات مقدماتی در شرایط اضطراری در مقایسه با شرایط عادی بودند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

فهرست منابع

- آخوندی، م. (۱۳۷۹). آیین دادرسی کیفری (جلد چهارم). تهران: انتشارات اشراق.
- آقابابایی، ح. (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی حقوق وضعیت اضطراری با نگاهی به مدیریت بیماری کووید ۱۹؛ از مبانی قانونی تا تجویز مداخله کیفری. مجله حقوقی دادگستری، ۸۵(۱۱۶).
- بیگزاده، ا.، قاری سیدفاطمی، س. م.، محمودی، س. ه. و لطفیان، م. ح. (۱۳۹۹). معضل کرونا در آیین حقوق بین‌الملل معاصر. فصلنامه تحقیقات حقوقی - ویژه‌نامه حقوق و کرونا.
- پشمی، ب. (۱۳۹۹). تعلیق تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در وضعیت‌های اضطراری عمومی؛ بحران کووید-۱۹. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۲۲(۷۶).
- توجهی، ع. و برنجی اردستانی، م. (۱۳۹۱). بررسی جایگاه امنیت‌گرایی در سیاست کیفری ایران و آمریکا. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱(۱).
- حسین‌زاده فرمی، م. (۱۳۹۹). کرونا مثابه آزمایش نقض‌کننده (جستاری در گسست واقعیت‌های اجتماعی جامعه ایرانی). در جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران (چاپ اول). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- حسینی صدرآبادی، ا. (۱۴۰۲). نظام حقوقی ویژه «وضعیت اضطراری سلامت» مدیریت اپیدمی کووید ۱۹ در فرانسه. فصلنامه تحقیقات حقوقی - ویژه‌نامه حقوق و کرونا، ۲.
- خالقی، ع. (۱۳۸۳). علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی. مجله پژوهش‌های حقوقی، ۵.
- ریبعی، ع. (۱۳۸۷). تعلیق حقوق مندرج در معاهدات حقوق بشری در وضعیت‌های اضطراری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- رحمدل، م. (۱۳۸۸). دادرسی عادلانه و مقررات دادرسی کیفری ایران. در تازه‌های علوم جنایی (مجموع مقالات). تهران: انتشارات میزان.
- رستمی، ه. (۱۴۰۲). فروپاشی آیین دادرسی کیفری منصفانه در رویارویی با بحران‌های سیاسی و اجتماعی. فصلنامه علمی پژوهش حقوق کیفری، ۱۱(۴۳).
- شمعی، م. و احمدی، س. م. (۱۳۹۹). تقابل و توازن امنیت و آزادی در دولت قانون‌مدار (چاپ اول). تهران: نشر میزان.

- شیدائیان، م. و اسحاقی، س. ج. (۱۳۹۹). جلوه‌های مصلحت عمومی در آیین دادرسی کیفری و چالش آن با حقوق فردی. فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۵(۸۹).
- عالی‌پور، ح. (۱۳۸۸). امنیت ملی و حقوق متهم؛ مطالعه تطبیقی آیین دادرسی در قبال اقدامات تروریستی. مطالعات راهبردی، ۴۳. فهم دانش، ع. (۱۳۸۳). وضعیت حقوق بشر در ایالات متحده آمریکا پس از یازده سپتامبر. مطالعات منطقه‌ای، ۲۳. معین، م. (۱۳۸۵). فرهنگ معین (جلد دوم). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- میرزایی، ح. (۱۳۹۹). جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- نشاسته‌ریز، س.، المیر، م. و حیدری، م. (۱۴۰۰). تأثیر وضعیت اضطراری بر فقد مرحله تجدیدنظر در دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای فقه، ۴.
- هاشمی، س. ح. (۱۳۹۲). دادرسی منصفانه در شرایط اضطراری در اسناد بین‌المللی و ایران (چاپ اول). تهران: انتشارات مجد.

References

- DeConde, A. (2020). Reply to “Self-Reported Olfactory Loss in COVID-19: is it really a Favorable Prognostic Factor?” *International Forum of Allergy & Rhinology*, 34(3).
- Human Rights Watch. (2020). Human Rights Dimensions of COVID-19 Response. Retrieved from <https://www.hrw.org/news/2020/03/19/human-rights-dimensions-covid-19-response>
- Marks, S. (1982). Principles and Norms of Human Rights Applicable in Emergency Situations: Underdevelopment, Catastrophes and Armed Conflicts. In K. Vasak & P. Alston (Eds.), *The International Dimensions of Human Rights* (Vol. 1, p. 175). UNESCO.
- Oxford Advanced Learner's Dictionary. (2004). (S. Wehmeier, Ed.). Oxford: Oxford University Press.
- Pirius, R. (2020). Emergency Powers and Citizen Rights During the Coronavirus Public Health Crisis.